****

[تتمه بحث وجوب حلق بر ملبد و معقوص 1](#_Toc488239335)

[کلام محقق خویی ره در خدشه دلالی بر روایات 1](#_Toc488239336)

[مناقشه 2](#_Toc488239337)

[نظریه مختار 4](#_Toc488239338)

**موضوع**: احکام تقصیر /تقصیر /حج

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## تتمه بحث وجوب حلق بر ملبد و معقوص

گذشت که شیخ طوسی در کتاب تهذیب فرموده در عمره تمتع گرچه تقصیر متعین و حلق حرام است، اما بر ملبد و معقوص واجب است که در عمره تمتع حلق کنند به دلیل سه روایت.

### کلام محقق خویی ره در خدشه دلالی بر روایات

محقق خوئی در دلالت روایات بر وجوب حلق در عمره تمتع بر ملبد و معقوص خدشه کرد، روایت اول را به عمره مفرده منصرف دانست که ما در این انصراف اشکال نمودیم.

در روایت دوم نیز چنین خدشه کرد که در روایت، قضی متعته نگفته، بلکه گفته قضی نسکه و اطلاق آن اقتضاء دارد که همه نسک که شامل اعمال حج است را نیز انجام داده باشد و لااقل من الاجمال.

روایت سوم را نیز با توجه به ذیل آن، بر عکس مدعای شیخ طوسی ظاهر دانست، زیرا قید فی الحج در صحیحه معاویة بن عمار، به همه صحیحه می خورد و نه فقط به ذیل آن و لذا بعد از آن فرموده در عمره تمتع فقط تقصیر تشریع شده است، یعنی صدر حدیث که بین ملبد و معقوص و غیر آن دو تفصیل داده، مربوط به حج است، اما در عمره تمتع تفصیلی نداده و مطقا تقصیر را واجب کرده است و اگر هم در صحیحه هشام اطلاقی بوده باشد، به این صحیحه تقیید می خورد و معلوم می شود که مقصود از عمره در صحیحه هشام، عمره مفرده بوده است.

#### مناقشه

اما به نظر ما روایت دوم مجمل است و شاید مقصود از قضی نسکه، قضاء همه اعمال حتی اعمال حج باشد.

اما این که محقق خوئی فرموده صحیحه معاویة بن عمار ظهور در خلاف مدعای مرحوم شیخ طوسی دارد، ناصواب است، بلکه صحیحه مجمل است، زیرا احتمال این که و لیس فی المتعة الا التقصیر فقط به ذیل بخورد، احتمال موهومی نیست، یعنی ممکن است روایت بگوید اگر محرم شود و معقوص یا ملبد باشد، باید حلق کند، اما اگر معقوص نبود، مجاز است که تقصیر کند و حلق در حج افضل است و در عمره تمتع فقط باید تقصیر کند، یعنی فمخیر لک التقصیر، دو قسم شده، اگر ملبد و معقوص بوده مطلقا چه در حج و چه در عمره باید حلق کند، و گرنه جایز است تقصیر کند، فقط در حج، حلق افضل است، اما در عمره تمتع متعین هم می­باشد.

بر فرض که فمخیر لک التقصیر، به معنای تخییر بین حلق و تقصیر باشد، باز هم می گوید غیر ملبد و معقوص، در حج مخیر است، اما در عمره تمتع تقصیر متعین است.

لذا ممکن است موضوع و مقسم در ذیل حدیث، غیر ملبد و معقوص باشد و لذا صحیحه معاویة بن عمار از این جهت مجمل است و ظهوری در خلاف کلام شیخ طوسی ندارد.

لذا گرچه دو روایت اخیر مجمل است، اما به نظر ما صحیحه هشام اطلاق دارد و شامل عمره تمتع هم می شود و بر اساس این صحیحه، شخص ملبد و معقوص باید در عمره تمتع حلق کند.

موید این نظریه شیخ طوسی نیز روایت بزنطی در مستطرفات سرائر است که ما سند مستطرفات را تصحیح کرده ایم، زیرا ولو ابن ادریس سند خود را به کتب اصحاب ذکر نکرده، اما مهم نیست، زیرا اگر هم ذکر سند می کرد، سند به عناوین کتب بود و نه نسخه، حتی شیخ طوسی هم که سند نقل می کند، سند به نسخه نیست و قرائن زیادی بر آن نیز وجود دارد، این ها اجازه نقل کتب از مشایخ خود می گرفتند، ولی خودشان احراز می کرد که این کتاب موجود، کتاب حریز و بزنطی و امثال آن است.

ما در مثل شیخ طوسی و ابن ادریس اصالة الحدس جاری می کنیم، زیرا این ها به عصر اصحاب نزدیک بودند و شاید این که این دو فقیه اسناد جزمی می دهند که این کتاب، کتاب حریز است، مقدمات حسیه ای داشته اند که اگر ما هم مطلع بر آن می شدیم، یقین به آن حاصل می کردیم، بدون این که نیازی به اجتهاد داشته باشد و برای جریان اصالة الحس، همین مقدار که ظهور حال شخص در اسناد جزمی در این باشد که مقدمات حسیه ای داشته، کافی است.

مگر در مواردی که نقل ابن ادریس از کتابی مضطرب باشد که برخی موارد از این قبیل است، یعنی کتابی را نقل کرده، اما متن مضطرب است، در این جا اصالة الحس جاری نمی شود، بعد از این که شواهدی بر خطا رفتن او وجود دارد، اما در مثل نوادر بزنطی مشکلی وجود ندارد.

روایت بزنطی در مستطرفات از این قرار است: مُحَمَّدُ بْنُ إِدْرِيسَ فِي آخِرِ السَّرَائِرِ نَقْلًا مِنْ نَوَادِرِ (أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي نَصْرٍ الْبَزَنْطِيِّ) عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ مَنْ لَبَّدَ شَعْرَهُ أَوْ عَقَصَهُ- فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يُقَصِّرَ وَ عَلَيْهِ الْحَلْقُ- وَ مَنْ لَمْ يُلَبِّدْهُ تَخَيَّرَ إِنْ شَاءَ قَصَّرَ- وَ إِنْ شَاءَ حَلَقَ وَ الْحَلْقُ أَفْضَلُ.[[1]](#footnote-1)

البته ممکن است به دلالت این روایت اشکال شود، زیرا ذیل روایت قطعا عمره تمتع را شامل نمی شود، زیرا قطعا حلق در عمره تمتع افضل نیست، بلکه باید تقصیر کند و مخیر بین حلق و تقصیر نیست و لذا شامل عمره تمتع نمی شود، و در نتیجه صدر روایت هم شامل عمره تمتع نمی شود.

ان قلت: ذیل روایت به غیر از عمره تمتع تخصیص می خورد و تقیید ذیل موجب رفع ید از اطلاق صدر نمی شود.

قلت: این مطلب واضح نیست، بله اگر مقید، مقید منفصل باشد، مطلب از همین قرار است و اگر فقره ای به مقید منفصل تقیید خورد، دلیل نمی شود که دیگر فقرات را نیز تقیید بزند، اما در روایت مزبور، ظاهر این است که مقید لبی متصل داریم، چون لدی المتشرعة واضح بوده که حلق در عمره تمتع افضل نیست، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله اصحاب را به حلق امر نکرد، بلکه به تقصیر امر کرد، در مقید متصل ما معتقدیم که ما یصلح للقرینیة است و شاید به همه فقرات بخورد.

### نظریه مختار

خلاصه این که برای تایید نظریه شیخ طوسی، صحیحه هشام کافی است، اما باز هم کلام محقق خوئی به ذهن قریب می آید، زیرا ملبد و معقوص در آن زمان رایج بوده است، بعد چگونه می شود که بر این دو حلق واجب باشد، اما نه روایتی بر طبق آن باشد و نه غیر از شیخ طوسی کسی به این حکم فتوا نداده باشد؟! این کشف می کند که اطلاق در صحیحه هشام ثابت نیست، زیرا لو کان لبان.

ما از محقق خوئی آسانتر می گیریم، زیرا احتمال ارتکاز نوعیه متشرعیه بر تقیید اطلاق را کافی برای عدم جواز تمسک به ظهور می دانیم، زیرا وقتی ارتکاز متشرعی عام بر این باشد که حلق بر ملبد و معقوص واجب نیست، مانع از انعقاد ظهور می شود، زیرا مثل قرینه متصله لبیه است، احتمال این ارتکاز نیز به معنای عدم احراز ظهور است، البته سکوت راوی از قرینه حالیه شخصیه خلاف وثاقت است، اما سکوت از قرینه نوعیه ارتکازیه، خلاف وثاقت راوی نیست، زیرا برای هم واضح بوده و راوی بر خود لازم نمی دیده که آن قرینه را ذکر کند و لذا سکوت راوی، شهادت بر نفی قرینه بر خلاف ظهور نیست.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج14، ص226، أبواب أن الحاج مخیر بین الحلق والتقصیر...، باب7، ح، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/14/226/یقصر) [↑](#footnote-ref-1)